

اثر بخشی آموزش گروهی برنامه غنی سازی زناشویی (سبک اولسون) بر افزایش رضامندی زنان متأهل

نویسندگان: کبری قاسمی مقدم^۱، بهمن بهمنی^{۲*} و علی عسگری^۳.

۱. کارشناس ارشد مشاوره آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران

۲. استادیار گروه مشاوره دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۳. استادیار گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی

* Email: bbahmani43@yahoo.com

چکیده

این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع گروه های نامعادل با گروه شاهد و پیش-پس آزمون با هدف تعیین اثر بخشی آموزش گروهی برنامه غنی سازی روابط زناشویی به شیوه اولسون بر رضامندی زناشویی زنانی که شوهرانشان در برنامه ارتقا روابط زناشویی شرکت نداشتند، طراحی و اجرا شد. به این منظور با روش نمونه گیری در دسترس از بین جامعه آماری زنان متأهل مراجعه کننده به یکی از خانه های سلامت شهرداری منطقه ۶ تهران که در زمان انجام این مطالعه پرونده شکایت از همسر یا تقاضای طلاق در دادگاه خانواده نداشتند، بصورت تمام وقت در بیرون از منزل شاغل نبوده و حداقل یک فرزند داشتند، ۴۰ داوطلب انتخاب و با روش غیر تصادفی به دو گروه آزمایشی و گواه تقسیم شدند. گروه آزمایشی در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای آموزش غنی سازی رابطه زناشویی به شیوه اولسون (اولسون و اولسون، ۱۹۹۹) شرکت کرده و گروه شاهد به عنوان فهرست انتظار، هیچ مداخله سازمان یافته ای دریافت نکردند. به منظور سنجش متغیر وابسته از فرم ۴۰ سوالی مقیاس انریچ (بهمنی، عسگری، ۱۳۸۵) استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-16 برای محاسبه فراوانی، میانگین، تحلیل واریانس، آزمون لوین و تحلیل کواریانس پردازش شد.

نتایج تحلیل کواریانس چندمتغیره نشان داد که میانگین رضامندی کلی زناشویی زنان در گروه آزمایش بیشتر از گواه و تفاوتها به لحاظ آماری در سطح احتمال ۱ درصد ($p < 1\%$) معنادار است. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزش غنی سازی روابط زناشویی به سبک اولسون حتی وقتی شوهران در برنامه آموزشی مشارکت ندارند نیز می تواند باعث افزایش رضامندی کلی زناشویی زنان شود.

کلیدواژه ها: رضامندی زناشویی زنان، آموزش گروهی، غنی سازی زناشویی، عدم مشارکت شوهران در برنامه ارتقا روابط زناشویی

روان شناسی
بالینی
و شخصیت

دانشور
و نشر

• دریافت مقاله: ۹۱/۳/۳۱

• پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۱۷

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
twentieth Year, No.8
Spring & Summer
2013

Clinical Psy & Personality

دوفصلنامه علمی- پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال بیستم - دوره جدید

شماره ۸

بهار و تابستان ۱۳۹۲

مقدمه

بسیاری از درمانگران اولین گام برای بهبود عملکرد زوج‌ها را آموزش مهارت‌های ارتباطی به آنها می‌دانند زیرا مشکلات ارتباطی شایعترین شکایتی است که زوج‌های جویای کمک ابراز می‌کنند [۶].

اصلاهی، نشان داده است که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث بالا رفتن کارایی خانواده در مقوله‌های حل مسئله، ارتباط نقش‌ها، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده می‌شود [۷]. بلامرگ^۴ دریافت زوجینی که در برنامه بهبود ارتباط شرکت کردند، رضایت و شادکامی بیشتری داشتند. گاتمن نشان داد زوج‌هایی که رضامندی بیشتری دارند ارتباط متقابل بیشتری نیز با هم دارند. مارکمن نیز نشان داده است که آموزش مهارت‌های ارتباطی قبل از ازدواج با کیفیت رابطه و رضامندی زناشویی رابطه مثبت دارد [۸].

با این وجود شواهد حاکی از وجود تفاوت جدی بین انگیزه و نیز میزان مشارکت زنان و مردان برای شرکت در برنامه‌های ارتقا رابطه زناشویی است. اولیا به مطالعاتی اشاره کرده است که نشان می‌دهند عموماً رضامندی زناشویی مردان از زنان بیشتر بوده و آنان نسبت به شرایط موجود در رابطه خود با همسر کمتر احساس ناکامی کرده [۴] و از این روی کمتر از زنان نیز مایل به استفاده از خدمات یاورانه در این زمینه‌ها هستند. در عین حال گزارش بلوم به مطالعات دیگری اشاره کرده است که نشان داده‌اند که زنها بیش از مردان از مشکلات روزمره زندگی زناشویی شکایت داشته و ناراضی از اوضاع هستند و بنابر این بیش از مردان به دنبال استفاده از فرصت‌های کمک‌گیری برای بهبود رابطه زناشویی بوده و رفتارشان نیز پس از شرکت در این برنامه‌ها بیش از مردان تغییر کرده و ادامه می‌یابد [۹]. تجربه چندین ساله پژوهشگر در کمک‌رسانی به بهبود زندگی زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز حمایت خانواده شهرداری‌ها و یا والدین شرکت‌کننده در برنامه‌های انجمن اولیا و مربیان مدارس نیز حاکی از کثرت وجود زنان متأهلی است که با شکایت از عدم همکاری شوهرانشان برای شرکت در

در پی تحولات عمیق و سریع دهه‌های اخیر در ساختار نهادهای اجتماعی از جمله کاهش تدریجی اشکال قدیمی‌تر خانواده‌های چند نسلی به نفع خانواده‌های متشکل از یک زن و مرد و فرزندان آنها، ارتباطات زناشویی نیز بیش از گذشته نقطه تمرکز انتظارات همسران از یکدیگر برای ارضاء نیازهای روانی اجتماعی شده و از این روی در صورت عدم آمادگی ایفای صحیح نقش‌های مورد انتظار، زمینه ساز دلسردی و آزرده‌گی از یکدیگر را نیز بیش از گذشته برای آنها فراهم کرده است [۱].

میس^۱ [۲] معتقد است، امروزه جوانان بیش از گذشته از همسر خود توقع روابط صمیمانه دارند، اما مهارت‌های لازم را در جهت ایجاد آن کسب نمی‌کنند و این کمبود شناخت و مهارت‌های لازم در زمینه غنی‌سازی ارتباط، بطور بالقوه می‌تواند زمینه ساز برآورده نشدن انتظارات و خواسته‌ها و در نتیجه کاهش رضامندی همسران از ازدواج شان شود.

وینچ^۲ رضامندی زناشویی را برآیند میزان هماهنگی و انطباق بین وضعیت مورد انتظار فرد با وضعیتی می‌داند که هم‌اکنون در زندگی زناشویی اش تجربه می‌کند [۳]. به اعتقاد مارکمن^۳، رضامندی زناشویی تاثیر بسزائی بر خانواده و سلامت جسمی و روانی اعضای آن دارد و زنان متأهل اولین کسانی هستند که از نابسامانی‌های خانواده تاثیر منفی گرفته و خود نیز می‌توانند عامل یا تشدید کننده آن باشند [۴].

مطالعات نشان داده است که مشکلات خانوادگی و کاهش رضامندی زناشویی متعاقب آن می‌تواند موجب بروز مشکلات رفتاری و کاهش سازگاری جنسی در زوجین [۵]، اختلالات اضطرابی و افسردگی در زنان، سوء مصرف الکل در مردان و مشکلات رفتاری در کودکان به ویژه پسران شده و بر رفتار مادرانه زنان نیز تاثیر منفی بگذارد [۵].

1 . Mice
2 . Winch
3 . Mark man

4 . Bloomberg

دارد، یکی از ویژگی های مشترک همه برنامه های فوق الذکر تاکید منطقی جملگی آنها بر حضور همزمان زن و مرد در جلسات آموزشی ارتقا مهارت های زندگی است.

برنامه ارتقا رابطه زناشویی موسوم به "آماده سازی و غنی سازی زناشویی" از موفق ترین برنامه هائی است که اثر بخشی آن در مطالعات متعدد در ایران نظیر اولیاء [۴]، اصلاحی [۸]، شیرالی نیا [۶]، جعفری [۱۰]، خمسه [۱۱] و خارج از ایران نظیر راسل و همکاران، زیمرمن^۷، مارکمن، استینلی و همکاران [۱۶] و گوئرني و ماکسون و لونگ و همکارانش [۴] گزارش شده است. به طور کلی این برنامه دارای محتوای آموزشی است که با حضور همزمان زوجین در جلسات و با هدف افزایش مهارت های آنها در زمینه ارتباط متقابل با یکدیگر، مهارت های حل تعارض، مدیریت مسائل مالی، رضایتمندی زناشویی، فعالیت های زوجین هنگام فراغت، عقاید مذهبی هریک از طرفین، رابطه بچه ها و والدین، رابطه خانواده و دوستان، انتظارات واقعی هریک از زوجین از یکدیگر، انتظارات جنسی، نقش خویشاوندان در زندگی زناشویی ارائه می شود [۱۱]. با این وجود همانطور که گفته شد همه مطالعات مذکور بر روی نمونه هائی انجام گرفته که با حضور همزمان هر دو همسر در جلسات آموزشی تشکیل می شده است و به این ترتیب یافته هایشان به راحتی شایسته تعمیم به موقعیت هائی نخواهد بود که یکی از همسران به هر دلیلی مایل و یا قادر به شرکت در جلسات آموزشی نبوده و بنابر این بطور مستقیم در جریان اطلاعات تصحیح گری که در مورد مولفه های موثر بر رابطه با همسر و نیز نحوه رفتار مناسب برای ابراز نیازهای خود و ارضا نیازهای همسر، به آنها داده می شود، قرار نمی گیرند.

صرف نظر از علل کمتر بودن امکان و یا تمایل شوهران برای مشارکت در برنامه های ارتقا روابط زناشویی، آزمون روش های جایگزین جدیدی که بتوانند با استفاده از انگیزه، ظرفیت و نیز همکاری بیشتر زنان متأهلی که با شکایت از عدم همکاری شوهرانشان برای

برنامه های مشاوره فردی یا گروهی و حتی جلسات آموزش خانواده، به دنبال راه چاره ای برای کاستن از مشکلات ارتباطی با همسر و افزایش رضامندی از زندگی زناشویی خود می باشند.

تصویری که از کنار هم قرار دادن این واقعیات به دست می آید نشان دهنده زنی است که علاوه بر سایر نارضایتی ها ممکن است در اثر سرخوردگی ناشی از عدم همکاری همسر، امید به تغییر را نیز از دست داده و دچار علائم درماندگی آموخته شده نیز بشود. روندی که با مشروط کردن اثربخشی برنامه ها به حضور توأم زن و شوهر در برنامه های مداخله، بر احتمال وقوع آن افزوده نیز خواهد شد.

به رویکرد های متعددی می توان اشاره کرد که در حال حاضر با هدف پیشگیری از دشواری های زناشویی و یا بهبود سازگاری زناشویی از آنها استفاده می شود. شیوه های برگرفته از این رویکردها اغلب به بهبود و یا ایجاد مهارت های ارتباطی، قبل از روبه رو شدن زوج ها با مشکلات توجه دارند. بعضی از این روش ها که جملگی آنها جزو رویکرد روان-آموزشی محسوب می شوند، شامل روش هائی چون تقویت رابطه^۱، برنامه انجمن زوجین برای غنی سازی زناشویی^۲، برنامه کاربردی مهارت های مربوط به رابطه صمیمانه^۳، برنامه پیشگیری و تقویت ارتباط^۴، برنامه موسوم به "TIME"^۵ که کلمه ای مرکب از سر حرف های عنوان انگلیسی است که معادل فارسی آن "آموزش برای زناشویی بهتر" است، بر زوج هائی تمرکز دارند که هنوز مشکلات رابطه ای عمده ای را تجربه نکرده اند [۴] و برنامه ارتقا رابطه زناشویی موسوم به "آماده سازی و غنی سازی زناشویی" (ENRICH) که نخستین بار توسط اولسون و اولسون^۶ در ۱۹۹۹ [۱۱] ارائه شده است، می شوند. با توجه به ویژگی اصلی زندگی زناشویی که ماهیتی مراوده ای و بین فردی

1. relationship Enhancement
2. association for Couples In Marriage Enrichment
3. Practical Application of Intimate relationship Skills
4. prevention And relationship Enhancement Program
5. Training In Marriage Enrichment (TIME)
6. Olson & Olson

7. Zimmerman

همسران در ارتباط با فرزندان و فرزندپروری خواهد شد.

روش

• نوع تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات نیمه آزمایشی بوده و با استفاده از طرح گروه های نا معادل (آزمایشی و گواه) با پیش- پس آزمون انجام شده است.

• آزمودنی

جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل و جمعیت آماری آن را زنانی تشکیل داد که طی سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به منظور شرکت در دوره های آموزشی و یا دریافت سایر خدمات سلامت روان به خانه سلامت منطقه ۶ شهرداری تهران مراجعه می کردند. نمونه ها نیز از بین زنان مراجعه کننده به خانه سلامت بهار شیراز واقع در منطقه ۶ شهرداری تهران ۴۰ زن متأهل که سابقه طلاق یا در زمان اجرای پژوهش پرونده فعال دعوای زناشویی در دادگاه خانواده نداشته، تنها همسر شوهر خود بوده، بصورت تمام وقت در بیرون از منزل شاغل نبوده و حداقل یک فرزند داشتند و مایل به شرکت در برنامه بودند به روش نمونه گیری در دسترس مبتنی بر هدف انتخاب و به روش غیر تصادفی به دو گروه ۲۰ نفره آزمایشی و گواه (فهرست انتظار) تقسیم شدند. قبل از تشکیل جلسات آموزش برای گروه آزمایش، پیش آزمون برای هر دو گروه انجام و سپس گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای آموزش غنی سازی رابطه زناشویی به شیوه اولسون^۱ (اولسون و اولسون، ۱۹۹۹) شرکت کرده و در طی این مدت گروه شاهد به عنوان فهرست انتظار، هیچ مداخله سازمان یافته ای دریافت نکردند. سپس هر دو گروه پس آزمون شدند. در انتها و با توجه به اینکه اثر بخشی کلی برنامه مداخله مورد تایید قرار گرفت، به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی از آزمودنی های عضو گروه گواه نیز دعوت شد تا در برنامه ای مشابه شرکت کنند.

شرکت در برنامه های مشاوره فردی یا گروهی و حتی جلسات آموزشی به دنبال راه ای برای کاستن از مشکلات ارتباطی با همسر و افزایش رضامندی از زندگی زناشویی خود می باشند، در درجه اول یک ضرورت انسانی و سپس حرفه ای محسوب می شود. همانطور که بی توجهی به آن می تواند به ناپایداری بیشتر بنیان خانواده ها و انتشار پیامدهای روانی اجتماعی و اقتصادی بنیان کن آن کمک کند.

سوال اصلی پژوهش حاضر مبنی بر اینکه "آیا آموزش غنی سازی زندگی زناشویی می تواند به زنان متأهلی که همسرانشان در جلسات آموزشی شرکت نمی کنند کمک کند تا از رضامندی زناشویی بیشتری برخوردار شوند؟" حاصل درک ضرورت های مذکور بوده و این پژوهش از طریق بررسی پنج فرضیه زیر بدنبال گردآوری شواهد آزمون پایه برای ارزیابی اثر بخشی متغیر مستقل بر متغیر وابسته و زیر مولفه های آن بوده است.

فرضیه های تحقیق

- فرض ۱- آموزش گروهی غنی سازی ازدواج به شیوه اولسون رضایتمندی زناشویی، زنان را افزایش می دهد.
- فرض ۲- آموزش گروهی برنامه غنی سازی ازدواج به شیوه اولسون خودرایی و روابط بین فردی نامناسب زنان را در رابطه با همسرانشان کاهش می دهد.
- فرض ۳- آموزش گروهی برنامه غنی سازی ازدواج به شیوه اولسون اختلافات و تعارضهای ضمنی زنان با همسرانشان را کاهش می دهد.
- فرض ۴- آموزش گروهی برنامه غنی سازی ازدواج به شیوه اولسون باعث افزایش رضایت زنان از ارتباط جنسی با همسر خواهد شد.
- فرض ۵- آموزش گروهی برنامه غنی سازی ازدواج به شیوه اولسون باعث افزایش رضایت زنان از همخوانی جهت گیری در تربیت مذهبی با همسران خواهد شد.
- فرض ۶- آموزش گروهی برنامه غنی سازی ازدواج به شیوه اولسون باعث افزایش رضایت زنان از همخوانی با

• ابزار اندازه گیری

پرسشنامه غنی سازی روابط زناشویی اولسون فرم کوتاه (انریچ ۴۰ سوالی)

برای سنجش متغیر رضامندی زناشویی از فرم کوتاه شده انریچ (یا پرسشنامه ارزشیابی و تقویت جنبه های ارتباطی، مرادده ای و خشنودی زندگی زناشویی) موسوم به انریچ ۴۰ سوالی استفاده شد. این مقیاس توسط بهمنی، عسگری و تمدنی [۱۲] بر اساس بررسی مجدد شاخص های روان سنجی انریچ فرم ۴۷ سوالی که قبلاً توسط سلیمانیان [۱۳] از پرسشنامه فرم ۱۱۵ سوالی انریچ (اولسون، فورنیر و دراکمن، ۱۹۸۹) استخراج شده بود، باز تدوین و ارائه شده است. این ابزار رضامندی زناشویی را در ۶ خرده مقیاس شامل: رضامندی کلی، جهت گیری مذهبی، فرزندان و فرزندپروری، رابطه جنسی، اختلافات و تعارضات ضمنی، خود رایی و روابط بین فردی نامناسب، می سنجد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که داده ها به خوبی با مدل شش عاملی برازش دارد و عاملهای ششگانه می تواند صفت مکنون "رضایت زناشویی" را به گونه مناسب اندازه گیری کند. ضرایب

همگونی اعتبار، برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۱ و برای خرده مقیاسها به ترتیب برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۶۶ و با روش دو نیمه سازی اسپیرمن-براون و گاتمن به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آمد.

• شیوه تحلیل داده ها

داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-16 برای محاسبه شاخص های آمار توصیفی و ویژگی های جمعیت نگاری و نیز، تحلیل کواریانس برای بررسی فرض عدم تفاوت گروهها و آزمون لوین برای بررسی مفروضه برابری واریانس دو گروه در پیش آزمون و تحلیل کواریانس برای مقایسه دو گروه در پس آزمون با حذف اثر پیش آزمون، پردازش شد.

نتایج

ویژگی های توصیفی نمونه تحقیق در جدول ۱ و میانگین، انحراف استاندارد و تحلیل کواریانس چند متغیری نتایج گروه آزمایش و گواه در پیش و پس آزمون در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۱: ویژگی های جمعیت نگاری گروه نمونه

(فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیل زنان و همسرانشان به تفکیک گروه آزمایش و گواه)

گروه گواه		گروه آزمایش			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۴۵	۹	۵۰	۱۰	دیپلم	تحصیلات آزمون ها
۲۰	۴	۲۰	۴	فوق دیپلم	
۲۰	۴	۱۳/۶	۳	لیسانس	
۱۰	۳	۱۳/۶	۳	بی پاسخ	
۲۱/۱	۸	۳۱/۸	۷	دیپلم	تحصیلات همسر
۳۳/۳	۶	۲۵	۵	فوق دیپلم	
۱۳/۶	۳	۲۵	۵	لیسانس	
۱۳/۶	۳	۱۳/۶	۳	بی پاسخ	

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد، و نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری (ANCOVA) برای نتایج پیش- پس آزمون دو گروه آزمایش و گواه

ANCOVA		گروه گواه				گروه آزمایش				رضامندی زناشویی
گروه	اثر پیش آزمون (۱۳۹)F	پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		
		SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۳۴/۲۲**	۸۹/۲۲**	۱۷/۴۴	۱۰۰/۱۵	۱۷/۳۷	۹۴/۰۹	۱۵/۳۰	۱۱۲/۱۸	۲۰/۲۴	۱۰۰/۶۸	نمره کل رضامندی زناشویی
۳۴/۴۲**	۹۰/۷۳**	۶/۵۵	۳۱/۱۵	۵/۴۳	۲۹/۲۷	۵/۷۶	۳۵/۵۹	۶/۸۹	۳۱/۵۲	رضامندی کلی
۰/۲۸	۲۴/۲۳**	۳/۰۲	۱۰/۸۴	۲/۷۵	۱۱/۱۸	۲/۱۷	۱۱/۴۰	۲/۹۳	۱۰/۷۸	هماهنگی در جهت‌گیری مذهبی فرزندان
۰/۷۹	۸۳/۵۰**	۴/۶۳	۱۱/۷۸	۳/۸۹	۱۱/۲۲	۳/۴۱	۱۲/۳۱	۴/۹۹	۱۱/۳۶	فرزندان و فرزندپروری
۱۰/۳۵**	۲۵/۱۹**	۳/۷۲	۱۴	۳/۳۰	۱۲/۵۴	۲/۳۰	۱۵/۴۵	۳/۱۸	۱۴/۳۱	رابطه ی جنسی
۱۱/۹۵*	۲۰/۳۴**	۴/۳۰	۲۰/۱۰	۴/۸۹	۱۷/۷۷	۵/۲۲	۲۳/۲۷	۴/۶۶	۱۹/۷۸	اختلاف و تعارضهای ضمنی
۱۲/۰۷*	۶۹/۳۸**	۲/۴۴	۱۲/۲۶	۳/۱۷	۱۲/۰۹	۳/۰۹	۱۴/۱۳	۳/۰۳	۱۲/۸۹	خودرایی

توجه: *P<۰/۰۵ ، **P<۰/۰۰۵

از طریق نتایج پس آزمون فراهم شد. به منظور بررسی فرضیه های تحقیق از تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شد. دلیل استفاده از این روش، حذف اثر پیش آزمون از پس آزمون در مقایسه گروه ها است. جدول (۲) حاوی اطلاعات مربوط به نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری دو گروه در پس آزمون است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، مقدار F در پس آزمون برای اثر روش مداخله بر متغیر رضامندی زناشویی معنادار بوده و به این ترتیب تفاوت مشاهده شده بین میانگین دو گروه (۱۱۲/۱۸ < ۱۰۰/۱۵) به نفع گروه آزمایشی تایید می‌شود. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که روش مداخله بر افزایش رضامندی زناشویی موثر آزمودنی‌ها موثر بوده است. یافته‌های حاصل از سایر

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد میزان تحصیلات اعضا دو گروه گواه و آزمایشی در جمعیت زنان و شوهران آنها تفاوت فاحشی با یکدیگر ندارد. یافته های مندرج در جدول ۲ بیانگر آن است که تفاوت مشاهده شده در میانگین های کلی دو گروه آزمایش و گواه (۹۴/۰۹ - ۱۰۰/۶۸) در پیش آزمون به لحاظ آماری معنا دار نیست. این مطلب در مورد واریانس گروههای مذکور (آن ۱۷/۳۷ و ۲۰/۲۴) که با استفاده از آزمون برابری واریانس های لوین به دست آمده نیز صادق می باشد. نتایج مندرج در جدول در مورد مقایسه خرده مقیاس ها نیز تفاوت معنی داری را بین دو گروه نشان نمی دهد. به این ترتیب فرض همسانی دو گروه آزمایش و گواه در متغیر وابسته تایید و بنابر این پیش نیاز لازم برای قضاوت در مورد نحوه تاثیر متغیر مستقل بر وابسته

آموزشی شرکت می کردند، در حالی که گروه نمونه پژوهش حاضر را زنان متأهلی که شوهرانشان در برنامه شرکت نداشتند تشکیل می دهد.

با وجود آنکه برای اثر گذاری برنامه مداخله غنی سازی زناشویی به شیوه اولسون بر رضامندی زناشویی زوجین در پژوهش هائی که هر دو زن و شوهر در برنامه شرکت می کنند می توان از توجیه های سیستمی و روان شناختی متعدد از جمله تاثیر آموزش ها بر انتظارات، باور ها و تعبیر و تفسیر ی که زوجین از رفتار یکدیگر می کنند و نیز تغییر در نظام بازخورد متقابل زن و شوهرها، اصلاح ساختار و مرزهای روابط زناشویی استفاده کرد، اما افزایش رضامندی زناشویی زنان در پژوهش حاضر که در آن فقط یکی از طرفین تعامل زناشویی در برنامه مداخله شرکت داشته است، را چگونه می توان توجیه کرد؟

برای ارائه توجیه منطقی توجه به چند مقدمه ضروری است. نخست توجه به ماهیت سامانه ای خانواده و روابط زناشویی است. به نظر نگارنده پاسخ به این سوال در ماهیت سامانه ای (سیستمی) حاکم بر ساختار خانواده و روابط زن و شوهر نهفته است. تقریباً تمامی متخصصان امر خانواده و خانواده درمانی، به خانواده به عنوان یک نظام یا سامانه انسانی نگاه می کنند که درک پدیده های رفتاری آن بدون استفاده از قواعد حاکم بر سامانه ها بسیار دشوار و گاه غیر ممکن خواهد بود. از جمله این قواعد اصل بازخورد متقابل اعضا حاضر در سامانه های انسانی است. بر اساس این اصل، رفتار افراد از نتیجه تاثیری که بر روی دیگران گذاشته، متاثر شده و جهت می گیرد [۱۷]. بر مبنای این قاعده می توان انتظار داشت که تغییر در رفتار هر یک از دو طرف درگیر در یک رابطه انسانی می تواند متناسب با برداشت طرف مقابل، رفتاری جدید را در او برانگیخته و این رفتار نیز به مثابه محرکی برای انتخاب نوع واکنش فردی، که تغییر را آغاز کرده است، عمل نماید. در واقع این طور به نظر می رسد که شرکت زنان در برنامه باعث شده تا آنها با انتظارات غلط و یا خطا های رایج در تعبیر و تفسیر هائی که از رفتار خود و همسرشان دارند، آشنا شده و در عین حال نحوه

مقایسه های جانبی مندرج در جدول فوق نشان داده اند که تفاوت های مشاهده شده درباره سه خرده مقیاس رضامندی زناشویی یعنی رابطه ی جنسی (۱۲/۵۴ < ۱۴/۳۱)، اختلافات و تعارض های ضمنی (۱۷/۷۷ > ۱۹/۷۸) و خودرأیی و روابط فردی نامناسب (۱۲/۹۰ > ۱۲/۸۹) به نفع گروه آزمایشی معنادار و در مورد دو خرده مقیاس هماهنگی در تربیت دینی فرزندان (۱۰/۷۸ < ۱۱/۱۸) و فرزندپروری (۱۱/۲۲ > ۱۱/۳۶) تفاوت های مشاهده شده معنادار نیستند.

بر اساس یافته های پژوهش، فرض اصلی و فرضیه های فرعی شماره ۳، ۴، ۵، تایید و فرضیه های فرعی ۱ و ۲ رد شدند.

بحث و نتیجه گیری

در مجموع یافته های این پژوهش نشان داده اند که "آموزش گروهی غنی سازی زناشویی به شیوه اولسون" می تواند، رضایتمندی کلی زناشویی زنان را حتی وقتی همسرانشان در برنامه شرکت ندارند افزایش دهد.

تایید فرضیه اصلی این پژوهش را می توان به معنی وجود تناسب بین محتوای کلی آموزش گروهی برنامه غنی سازی روابط زناشویی به شیوه اولسون با نیاز های خاص زنان متأهلی دانست که همسرانشان به هر دلیل در برنامه های بهبود روابط زناشویی شرکت نمی کنند.

اگر چه یافته این تحقیق مبنی بر اثر بخش بودن برنامه آموزش گروهی غنی سازی زندگی زناشویی به شیوه اولسون با تعداد زیادی از پژوهش های مشابه نظیر اصلانی [۷]، نیکخواه و آقامحمدیان [۱۴]، گریفلاپینگ و آپوستال (۱۹۹۳؛ نقل از نظری، ۱۳۸۳) [۱۵]، نظری [۱۵]، راسل و همکاران، زیمرمن، مارکمن، استینلی، بلومبرگ [۱۶] و گوئرینی و ماکسون و لونگ و همکارانش به نقل از اولیا [۴] که اثر بخشی برنامه آموزش غنی سازی روابط زناشویی به سبک اولسون را بر رضامندی زناشویی تایید می کنند همخوانی دارد، با این وجود در تفسیر نتایج باید به این تفاوت مهم نیز توجه داشت که گروه نمونه تمامی پژوهش های مذکور، از بین زن و شوهرهایی انتخاب شده بودند که همزمان در جلسات

متقابل "اعضا حاضر در سامانه‌های انسانی که براساس آن رفتار افراد از نتیجه تأثیری که بر روی دیگران می‌گذارند، متأثر شده و جهت می‌گیرد، نسبت داد.

اما عدم تأیید دو فرض مربوط به خرده مقیاس‌های هماهنگی در تربیت مذهبی فرزندان و فرزند پروری را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ به نظر می‌رسد که محتوای برنامه مداخله نتوانسته است با نیازهای خاص زنان و شوهرانشان در این دو حیطه هماهنگی کافی داشته باشد.

در تبیین این یافته چند فرض قابل بررسی است. نخست اینکه به نظر می‌رسد که زن و شوهرها در آنچه که باورهای مذهبی و التزام به شعائر مذهبی نامیده شده و بخشی از محتوای خرده مقیاس هماهنگی در تربیت مذهبی فرزندان می‌باشد از ابتدا نیز با یکدیگر تعارض جدی نداشته است که مداخله بتواند تفاوت معنی دار در آن ایجاد کند. این فرض با توجه به اینکه نمرات پیش آزمون همسران در این خرده مقیاس، همسانی نسبی بالائی داشته است (جدول ۲)، تقویت می‌شود. دوم اینکه بر اساس محتوای ثبت شده از گفتگوی‌های مطرح شده در طی جلسات آموزشی، بیش از آنکه نگران ناهماهنگی دیدگاه‌های خود با شوهر در مورد تربیت مذهبی فرزندان باشند، نگران اختلاف باورهای خانواده با آموزه‌های رسانه‌ای و محیط بیرون از خانواده بودند و بالاخره به عنوان سومین دلیل احتمالی به نظر می‌رسد که محتوای برنامه مداخله با آنچه که خرده مقیاس هماهنگی مذهبی در پرسشنامه می‌سنجد تطابق کافی نداشته است. در واقع در حالی که گزاره‌های تشکیل دهنده خرده مقیاس هماهنگی مذهبی به دنبال سنجش میزان شباهت یا اختلاف دیدگاه زوجین در رابطه با نحوه تربیت مذهبی فرزندان، میزان تقید هر یک به شعائر مذهبی و توافق در مورد باورهای مذهبی است، محتوای برنامه آموزشی که بر اساس پروتوکل پیشنهادی اولسون و اولسون طراحی شده، بیشتر در پی طرح مباحث کلی در زمینه باورهای مذهبی و معنای عمومی زندگی بوده است.

در مورد عدم اثر بخشی برنامه مداخله بر افزایش رضایت زنان از میزان همخوانی با همسر در ارتباط با

صحیح تر ابراز خواسته و تمایلات و انتقادات را فرا گرفته و بهتر بتوانند در جهت حل تعارض‌های بین فردی بکوشند. ازدید یک رویکرد سیستمی، تعدیل انتظارات غیر منطقی، بهبود مهارت‌های ابراز خود و افزایش مهارت‌های حل تعارضی که به عنوان پیامد این یادگیری‌های جدید در رفتار زنان بروز خواهد کرد، با کاستن از تنش و اضطراب روزمره زنان در رابطه با همسر و به تبع آن محیط خانواده، موجب افزایش توجه مثبت شوهران به همسر و تغییرات رفتاری او شده و ممکن است متقابلاً شروع به ارائه بازخورد مثبت به همسری کنند که هم انگیزه و هم قابلیت پاسخ کارآمد به این بازخورد شوهر را دارا شده است. بدیهی است ورود به چنین نظام بازخورد متقابل را می‌توان یکی از عوامل خشنودی زناشویی ظاهراً یک طرفه زنان دانست.

تحلیل خرده مقیاس‌های پنجگانه مقیاس رضامندی زناشویی در جدول ۲ به عنوان یافته‌های جانبی نشان می‌دهد که در خرده مقیاس‌های خود رأیی و روابط بین فردی نامناسب، اختلافات و تعارض‌های ضمنی و سازگاری جنسی تفاوت بین گروه آزمایش و گواه به لحاظ آماری معنا دار اما در زیر مقیاس‌های فرزند پروری و هماهنگی در تربیت مذهبی فرزندان تفاوت‌ها معنادار نیست. در زیر هر یک از فرضیه‌های فوق به همراه نتایج آزمون فرض مربوطه به بحث گذاشته شده است.

در تبیین یافته‌هایی که حاکی از افزایش رضامندی زنان در سه زیر مقیاس خودرایی و ارتباط فردی نامناسب، اختلافات و تعارض‌های ضمنی و سازگاری جنسی است، می‌توان از همان استدلالی استفاده کرد که در مورد نتایج بررسی فرض اصلی از آن استفاده شد یعنی: (۱) تأثیر آموزش‌ها بر انتظارات، باورها و تعبیر و تفسیری که زوجین از رفتار یکدیگر می‌کنند (۲) ماهیت سامانه‌ای (سیستمی) حاکم بر ساختار خانواده و روابط زن و شوهر، (۳) تغییر در نظام بازخورد متقابل زن و شوهرها و اصلاح ساختار و مرزهای روابط زناشویی می‌توان استفاده کرد و (۴) اثربخشی برنامه در حالی که فقط یکی از زوجین در برنامه شرکت‌دارند را نیز به تأثیر پدیده "بازخورد

۶- شیرالی نیا، خدیجه. (۱۳۸۶). تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی واحساسات مثبت به همسر در زوجین شهراهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهیدچمران اهواز .

۷- اصلانی، خالد. (۱۳۸۳). نقش مهارتهای ارتباطی بر کارایی خانوادگی دانشجویان متأهل. رفاه اجتماعی، ۴، ۱۴، ۱۰۳-۱۲۶

۸- اصلاحی، فاطمه (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش مدل (غنی سازی/آماده سازی) بر افزایش سازگاری زناشویی زوجها. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

9-Blum, J., & Mehrabian, A. (1999). Personality and temperament correlates of marital satisfaction. *Journal of personality*. 67(1).

۱۰-جعفری، فرهاد(۱۳۸۴). بررسی اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی زوجین پس از ازدواج. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. تهران: دانشگاه علامه.

۱۱- خمسه، اکرم. (۱۳۸۲). آموزش قبل از ازدواج. تهران: دانشگاه الزهرا(س). پژوهشکده زنان.

۱۲- بهمنی، بهمن. عسگری، علی. تمدنی، مجتبی (۱۳۸۵) روسازی، اعتباریابی و استاندارد ساختن مقیاس رضایت زناشویی انریچ برای جامعه ایرانی. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

۱۳- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیرات تفکر غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه تربیت معلم تهران.

فرزندان و فرزند پروری نیز با توجه به اینکه مقایسه محتوای برنامه مداخله با محتوای سوالات آزمون نشان دهنده همپوشی مطلوب این دو بوده است ، بنابر این عدم تاثیر گذاری را چگونه می توان توجیه کرد؟ به نظر می رسد از آنجا که مسائل مربوط به هماهنگی همسران در حیطه های فرزند پروری محتوای آخرین جلسه آموزشی بود که برای گروه آزمایش ارائه شد، به این ترتیب زمان کافی در اختیار زنان قرار نگرفت تا آنها بتوانند یادگیری های جدید خود را به سطح مراوده با همسر که در این پژوهش مستقیما در برنامه آموزش شرکت نداشتند منتقل کرده و از این طریق بتوانند با تبادل دانش و مهارت جدید با همسر و حتی فرزندان چرخه های تبادل بازخورد را فعال و فضای ارتباطی جدید را به گونه ای مستقرکنند که نتایج آن در اندازه های مقیاس میزان همخوانی در فرزند پروری قابل مشاهده شود.

منابع

1-Ridley, C. A. Jorgensen, S. R., Morgan, A. C., & Avery, A. W. (2005). Relationship Enhancement with premarital couples: An assessment of effects on relationship quality. *The American Journal of family therapy*. 10, 42-48.

۲- مظلومی، سعیده (۱۳۸۶). تأثیر برنامه غنی سازی ازدواج بر صمیمیت زوجهای بدون مشکل. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

3- Winch, R. (1974). *Selected Studies in marriage and the family*. New York: Holt Rinehart and Winston, Inc.

۴- اولیاء، نرگس (۱۳۸۸). تاثیر آموزش غنی سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضامندی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۵- عدالتی شاطری، زهره. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی طرح تایم (غنی سازی ازدواج) بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.

16-Stanley, S. M., Blumberg, S.L., & Markman, H. J.(1999). Helping couples fight for their marriages: the PREP approach in R. Berger., & M. T. Hannah (Eds), Preventive approaches in couples therapy. Lillington, Nc: Edwards Brothers.

۱۷- فقیر پور، مقصود.(۱۳۸۳). مهارت های اجتماعی و سازگاری زناشویی. رشت. انتشارات سازمان بهزیستی استان گیلان.

۱۴- نیکخواه، زهرا. آقا محمدیان، شعر باف.(۱۳۸۲). بررسی میزان اثربخشی آموزش گروهی مهارت های ارتباطی با رویکرد شناختی _ رفتاری بر رضامندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۵- نظری، علی محمد.(۱۳۸۳). بررسی و مقایسه تأثیر برنامه غنی سازی ارتباط و مشاوره راه حل محور بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل. پایان نامه دکتری مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.